

وَه وَه که شمایلت
چه نیکوست...مهرداد خدیر
معاون سردبیر

نمی‌دانم این حکایات تا چه حد با واقعیت تاریخی انطباق و اصطلاحاً سندیت دارد ولی نقل شده و قابل تأمل است. این که بوعلی سینا دستگیری داشته دانشمند به نام ابوالحسن بهمن‌یار و روزی که استاد از پس مباحثه‌ای سنگین پیروزمندانه به خانه بازگشته او که در خانه نزد بوعلی زندگی می‌کرده می‌پرسد: در شگفتیم که با این همه دانش چرا داعیه پیامبری نمی‌کنید و اگر از بیم خاتمیت است به گونه‌ای دیگر تا حاجت نباشد با این جماعت محاجه و مباحثه کنید و قدر شما بیشتر بدانند و حرمت تان افزون تر گذارند.

زمستان‌های همدان سخت استخوان سوز بود و هنوز هم سرمای همدان زبان زد است. آن شب بوعلی گرفتار بیماری بود و در تب می‌سوخت و به بهمن‌یار گفت این بحث را بگذار تا وقتی دگر و نگاهی به کتابی انداخت و نماز گزارد و به بستر رفت و خفت.

سحر گاهان چشم گشود و بهمن یار را صدا کرد و از او خواست برای او آبی بیاورد تا وضو بسازد چون نمی‌تواند به حیاط برود و بیم دارد بیماری تشدید شود. واقعاً نیز از حوض یخ بسته آبی برداشتن کاری بود کارستان. دست یاراما بهانه‌ای آورد و طفره رفت بوعلی خود به زحمت وضو ساخت یا تیمم کرد تا نماز گزارد.

ساعتی بعد و هنگام صبحانه بوعلی از بهمن یار پرسید: راستی می‌دانی امروز هم مؤذن اذان گفت یا به خاطر سرمای شدید نیامد؟ پاسخ داد: آری! آمد و بیسی عجیب بود که در این سرما چگونه خود را به مأذنه رسانده بود. بوعلی گفت: به یاد داری دیشب از من پرسیدی چرا داعیه پیامبری نمی‌کنم و پاسخ ندادم و به فرصتی دیگر موکول کردم. گفت: آری و پورسینا هم گفت آن فرصت اکنون است و حال آن را از بائومی گویم:

من حی و حاضر و زنده از تو خواستم آبی بیاوری و نیابودی اما با این که ۴۰۰ سال از مرگ محمد می‌گذرد این مؤذن هر صبح نام او را بر بلندا صلا درمی دهد. کسی می‌تواند چنان داعیه‌ای که تو خواستی داشته باشد که ۴۰۰ سال اگر از مرگ او هم بگذرد نام او یاد او نمیرد و البته او آخرین بود و بعد از خود همه ما را به قرآن و عقل و خرد سپرده و آموزه‌های او هم مبتنی بر همین بوده است. ۲۰۰ سال از آن حکایت گذشت و نوبت این بار به سعدی شیرازی رسید که سرود:

ماه فرو ماند از جمال محمد

سرو نباشد به اعتدال محمد
حالا و در روزگار ما هم از دوران سعدی ۷۰۰ سال می‌گذرد و به بیان دیگر ۱۰۰۰ سال از عهد بوعلی سینا و آن دست یار و اگر از زمان خود پیامبر محاسبه کنیم ۱۴۰۰ سال اما همچنان نام محمد شیرین است و کام را حلاوتی دیگر می‌بخشد وقتی زبان به نام او می‌چرخد و از زبان همان سعدی که اشارت رفت می‌توان گفت:

ای سرو بلند قامت دوست

وَه وَه که شمایلت چه نیکوست
در پای لطافت تو میراد

هر سروسنهی که بر لب جوست
لطف و یاد نام پیامبر گرامی اسلام در ذکر خصایل و خصایص نیکوی اوست و گرنه چگونه می‌توان باور کرد کسی که بعد از ۱۳ سال دعوت مردمان جغرافیا و کسان و نزدیکان خود تنها با ۱۰۰ نفر و شاید کمتر به یثرب / مدینه کوچید ۸ سال بعد فاتحانه به مکه بازگردد و اکنون و در پی ۱۴۰۰ سال بیش از یک میلیارد پیرو داشته باشد؟ این خلودن به درستی می‌گوید: محمد دو معجزه داشت: یکی قرآن بود و دیگری هنر او در اتحاد قبایل آنچه امروز به کارمان می‌آید تنها تقبیح رفتارهایی در مغرب زمین نیست که از حلاوت نام محمد را درنیافتند و هر از گاهی احساسات دوست داران او در گستره زمین را زخمی می‌کنند بلکه در سرزمین خودمان نیز فرصتی نیکو فراهم آمده چرا که اکنون نیز تبلور رفتار محمدی در گرو وقایع و هم دلی است که می‌تواند گره از کارهای فروخته بشکاید و کاستن از اختلافات و غیر این نسبتی با منش و آموزه‌های او ندارد.

از خاندان هم البته نباید غافل شد و حق این سخن را هم سعدی شیرازی ادا کرده که اگر چه شیعه مذهب نبوده سروده است:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی

عشق محمد بس است و آل محمد

۱۹ ساعت
24 HOURShammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریم‌ساجی
• مشاوران: عباس عبیدی و احمد زید آبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • امید عرب (مدیر آنلاین)
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دبلیماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

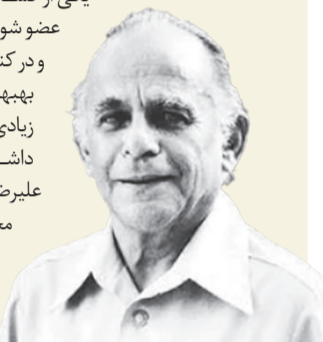
• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۰۲۹۱ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هممیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۳۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱۰۹۱۳۰۴۱۴۲

چهره

شاعر پیونددهنده شعر موسیقی

خیلی‌ها فریدون مشیری را با شعر عاشقانه «بی تو متهاب شبی» به یاد می‌آورند، شاعری که بیش از ۹ دهه قبل در سی ام شهریور در تهران متولد شد و در دوران پُر آشوب ایران از جمله حمله‌ی متفقین و کودتای ۲۸ مرداد زندگی کرد. ورود او به دنیای شعر و ادب در دهه ۱۳۳۰ بود و چند سال مسئول صفحه‌ی شعر و ادب مجله‌ی روشنفکر بود. مشیری اولین مجموعه شعرش را در ۲۸ سالگی با مقدمه شهریار منتشر کرد. «گناه دریا»، «نایافته»، «ابر» و «مروارید مهر» از جمله مجموعه شعرهای اوست. این شاعر در کنار ادبیات توجه خاصی به موسیقی داشت و یکی از کسانی بود که در دهه‌ی پنجاه عضو شورای موسیقی و شعر رادیو بود

و در کنار هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی و عماد خراسانی سهم زیادی در پیوند شعر با موسیقی داشت. محمدرضا شجریان، علیرضا افتخاری، علیرضا قربانی و محمداصفهانی از جمله کسانی هستند که شعرهای او را خوانده‌اند.



عکس: خدیر ورزشی

بازگشت به ۲۲ سال پیش

شرایط بحرانی ورزشگاه‌های کشور باعث شد تا شهرآورد تهران در خارج از پایتخت برگزار شود



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هممیهن

برنامه فوتبال برتر نیز گفته بود: «ما یکجا ورزشگاه داریم هتل پنج ستاره نداریم؛ یکجا این دوتا داریم ولی فرودگاه بین‌المللی نداریم. یکجا (مشهد) همه اینها را داریم، ولی به ما اجازه استفاده نمی‌دهند! شورای تأمین می‌گوید، استفاده از ورزشگاه امام رضا(ع) از نظر ترافیکی شهر مشهد را قفل می‌کند، ولی این راه حل دارد. استادبوم امام رضا(ع) با پول ملت ایران ساخته شده و باید برای ملت ایران استفاده شود. فدراسیون باید بتواند بازی‌های مهم را آنجا برگزار کند که این حق مردم مشهد است.» با این حال بعد از حواشی عجیب و غیر قابل باور ورزشگاه شهرقدس در قلعه حسن خان تهران و ناآرامی و وجود بودن ورزشگاه آزادی، در نهایت مسئولان آستان قدس اعلام کردند، مخالفتی با برگزاری مسابقات فوتبال در این ورزشگاه ندارند. مجری برنامه فوتبال برتر با اعلام این موضوع گفت: «مسئولان تربیت بدنی آستان قدس رضوی هم تماس گرفتند و اعلام کردند که به صورت رسمی آمادگی این را داریم که ورزشگاه امام رضا(ع) مشهد را در اختیار چرخه فوتبالی کشور قرار دهیم و در هر بازی داخلی و بین‌المللی که مدنظر فدراسیون باشد، امکان استفاده از این ورزشگاه وجود دارد.» بزرگترین وجه تمایز استادبوم امام رضا(ع) با دیگر ورزشگاه‌های ایران، مسقف بودن آن بوده، طرحی که این ورزشگاه را در خاورمیانه نیز متمایز کرده است؛ پروژه مسقف‌سازی استادبوم توسط شرکت FREYSSINET انجام شد که در کارنامه خود مسقف کردن استادبوم المپیک لندن را داشته، همچنین در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل برخی از ورزشگاه‌های میزبان جام جهانی را مسقف کرده است.

استادبوم آزادی شاید وقتی دیگر

ورزشگاه آزادی دامت ۵۳ ساله دارد اما نکته بسیار مهم این است که طی ۵۳ سال این ورزشگاه فقط یکبار - آن هم به مدت هشت ماه - تحت مرمت و بازسازی قرار گرفته که بخش سازه‌ی آن هم خیلی دخیل نبوده است. اوایل دهه ۸۰ که لیگ برتر در فصل دوم خود داشت به دلیل تعویض چمن به مدت هشت ماه تعطیل شد تا کار تعویض چمن و صندلی‌گذاری سکوی تماشاگران انجام شود. پیش از این از سوی مدیر مجموعه ورزشی آزادی اعلام شده بود، بهتر است دربی تهران در آذرماه، در ایام «فیفادی» و در ورزشگاه آزادی برگزار شود. موضوعی که قطعاً با مخالفت دو تیم روبه‌رو خواهد شد؛ چون بازیکنان ملی پوش دو تیم در اختیار تیم‌های ملی خواهند بود. از طرف دیگر، روز گذشته از سوی فدراسیون فوتبال به صورت رسمی اعلام شد که ورزشگاه امام خمینی اراک میزبان دربی تهران خواهد بود. با رسمی شدن این خبر باید گفت، فوتبال ایران به ۲۲ سال پیش بازگشت. جایی که تیم‌های پرسپولیس و استقلال در دربی شماره ۵۳ در سال ۱۳۸۱ به دلیل در دسترس نبودن ورزشگاه آزادی به ورزشگاه یادگار امام تبریز رفتند تا آن دیدار جنجالی خارج از تهران برگزار شود.

ورزشگاهی که وی‌آر دارد

با اعلام رسمی فدراسیون فوتبال مبنی بر برگزاری دربی تهران در ورزشگاه امام خمینی اراک، بد نیست نگاهی ببیندازیم به امکانات این ورزشگاه ۱۵ هزار نفری که ابتدای اسمال مورد تأیید کنفدراسیون فوتبال آسیا قرار گرفت و اتفاقاً به دلیل امکانات این ورزشگاه بود که باشگاه آلمینیوم توانست مجوز استانداردسازی را از «ای‌اف‌سی» بگیرد. این ورزشگاه از معدود ورزشگاه‌های خارج از تهران است که سیستم ویدئویی VAR دارد که به تأیید فدراسیون فوتبال و «ای‌اف‌سی» نیز رسیده است. گیت‌های ورودی تماشاگران میزبان و مهمان، همچنین هواداران خانم کاملاً تفکیک شده است. مسیر تردد هواداران معلول نیز کاملاً طراحی شده است و نور ورزشگاه نیز مطابق استانداردهای «ای‌اف‌سی» است. باتوجه به اخبار ضد و نقیض نسبت به میزان دور بودن ورزشگاه آزادی از شرایط میزبانی از تیم‌ها و البته مسیر طولانی اخذ مجوز برای ورزشگاه امام رضا(ع)، ظاهراً ورزشگاه امام خمینی شهر اراک در دسترس‌ترین و معقول‌ترین گزینه برای میزبانی از سرخابی‌هاست، حتی اگر شرایط با ۲۲ سال قبل قیاس شود.

کتابخانه

صدایی از حنجره زنان

کتاب «صدای آزادی» نوشته محمد مصطفی سلطان‌زاده و زینب انتظار، در ۴۰۴ صفحه و با قیمت ۳۶۰ هزار تومان توسط نشر نی منتشر شده است. کتاب پیش رو روایتی از زندگی زنان افغانستان، ظلم‌هایی که در طول تاریخ بر آن‌ها رفته و آن چه طالبان بر آن‌ها داشته است. خوانندگان این اثر روایت‌هایی واقعی را از زنان افغان مطالعه می‌کنند و از قوانین ضد زن که طالبان بنا نهاده‌اند، می‌خوانند. از زنانی که در راه آزادی دستگیر شده‌اند، از شیوه‌ای که طالبان برای حکومت بر مردم بهره می‌برد و از صدای آزادی که دنیای آینده به خود خواهد دید، صدایی که این بار از حنجره زن شنیده خواهد شد. در بخشی از این کتاب چنین می‌خوانیم: «مردان افغان درک درستی از آزادی زن‌ها ندارند؛ آن‌ها استقلال مالی زنان را خطری برای اقتدار خود در خانواده می‌دانند. اینک با ایجاد محدودیت برای کار زن‌ها توسط طالبان، آن اقتدار نسبتاً از دست رفته مرد به‌عنوان تنها نان‌آور و سرپرست خانواده بازمی‌گردد.»



صدای آزادی

نویسنده:

محمد مصطفی

سلطان‌زاده و زینب

انتظار

انتشارات: نشر نی

تاریخ

ابلاغ آیین نامه مطبوعات



۲۹ شهریورماه ۱۳۳۷ مصوبه شورای وزیران برای اجرا به ناشران روزنامه‌های عمومی (حرفه‌ای) کشور ابلاغ شد. در این آیین‌نامه که به تصویب شورای وزیران کابینه عبدالحسین هزیر رسیده بود،

حقوق بگیران سازمان‌های دولتی تا زمانی که شاغل بودند، نمی‌توانستند سردبیر یا عضو تحریریه نشریات عمومی (غیر تخصصی و غیر حزبی) باشند. هزیر پس از این ابلاغ در توجیه آن گفت، بسیار دیده شده که خبرنگاری دیدیر یک حوزه خبری، کارمند همان وزارتخانه و دستگاه دولتی است. او چنین امری را خلاف روزنامه‌نگاری سالم و بی‌طرفانه دانست و این مصوبه را خدمتی به مطبوعات حرفه‌ای قلمداد کرد که باید بی‌طرف باشند. مفاد این آیین‌نامه بعدتر در قانون مطبوعات اضافه شد و تا تصویب قانون تازه مطبوعات (مصوب سال ۱۳۶۴) ادامه داشت. قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۳۴، دادن مجوز انتشار نشریه به حقوق بگیر دولتی شاغل را نیز (جز نشریه تخصصی) منع کرده بود که این مورد نیز در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ دیده نمی‌شود. برخی یکی از ضعف‌های ژورنالیسم جاری ایران را فقدان همین موارد دانسته‌اند.